

والنتین کاتاسونوف (Valentin Katasonov)

پروفسور، دکتر علم اقتصاد، مدیر انجمن اقتصاد «سرگئی فیودوروویچ شاراپوف» روسیه

مترجم: ا. م. شیری

در باره رتبه بندی «فوربس» و افسونگری متواضعانه بانکداران جهان

<http://www.fondsk.ru/news/2013/01/17/o-rejtingah-forbs-i-skromnom-obajanii-mirovyh-bankirov.html>

۸ دلو ۱۳۹۱

در مقاله «در باره ابرنهاد یا کمیته ۱۴۷»، موضوع مطالعات دانشمندان سوئیسی که هسته اقتصاد جهانی متشکل از ۱۴۷ شرکت معظم را بکمک ابررایانه شناسائی کرده اند، مورد بررسی قرار گرفت. البته، برای دیدن این «هسته» نیازی به بهره گیری از تکنولوژی رایانه ای پر قدرت نیست. مثلاً، برای این کار، استفاده از رتبه بندی شرکتها و ثروتمندترین افراد جهان، که مرتباً در مجله های «فورچون» و «فوربس» منتشر می شود، کفایت می کند. واقعا، اینجا آگاهی به برخی «اسرار آشپزخانه» آشپزهای رتبه بندی و همچنین، درک مفهوم برخی شاخصهای لازم است...

رتبه بندی فوربس بمثابه بدیل ابررایانه

فهرست «فوربس» پیش از همه، بدین سبب جالب است که بزرگترین کمپانی های همه جهان را در بر می گیرد. فهرست «فورچون» فقط تصوراتی را از کمپانی های آمریکائی بازتاب می دهد. در همان حال که بخش قابل ملاحظه کمپانیها، از جمله، کمپانیهای آمریکائی، در فهرستهای «فوربس» انعکاس می یابند، اطلاعات «فورچون» در اغلب موارد تصویر عمومی جهان را با موفقیت تکمیل می کند.

در سال ۲۰۱۲، مجله آمریکائی «فوربس» برای نهمین بار رتبه بندی سالانه دو هزار کمپانی بزرگ جهان را تحت عنوان فوربس ۲۰۰۰ تنظیم کرد. این رتبه بندی وضعیت این کمپانیها را در سال ۲۰۱۱ منعکس می سازد. فهرست فوربس ۲۰۰۰ بر مبنای چهار شاخص تنظیم می شود: ۱- مداخل (فروشها)، ۲- سود، ۳- دارائی، ۴- سرمایه گذاری در بازار.

مجموع مداخل ۲۰۰۰ کمپانی بزرگ، ۳۶ تریلیون دلار (با ۱۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل) و سود آنها، ۲ تریلیون و ۶۴ میلیارد دلار (با ۱۱ درصد افزایش) همراه بوده است. بدین

ترتیب، آنها ۱۴۹ تریلیون دلار (با افزایش ۸ درصدی) به دارائی های خود افزودند و با سرمایه گذاری ۳۷ میلیارد دلاری در بازار (با کاهش نیم درصدی) به فعالیت خود ادامه دادند. در رتبه بندی، کمپانیهای ۶۶ کشور، یعنی ۴ مورد بیشتر از رتبه بندی قبلی ارائه شده است. آمریکا با ۵۲۴ کمپانی و ژاپن با ۲۵۸ کمپانی، با احتساب ۱۴ شرکت کننده جدید در فهرست، کمافی السابق پیشتازند. در رتبه بندی کنونی، چین با ۱۳۶ کمپانی از جمله، ۱۵ کمپانی جدید به پیشتازان نزدیک می شود. کشورهای انگلیس با ۹۳ کمپانی، کره جنوبی با ۶۸ کمپانی و هند با ۶۱ کمپانی پیشتازان سه گانه را تعقیب می کنند. تقسیمات جغرافیائی رتبه بندی بدین شکل ترسیم شده است: ۷۳۳ کمپانی از منطقه آسیا و اقیانوس آرام، ۶۰۵ کمپانی از اروپا، خاورمیانه و آفریقا، ۵۲۴ کمپانی از ایالات متحده آمریکا، ۱۴۵ کمپانی از آمریکای مرکزی و جنوبی. مثل سال گذشته، ۲۸ کمپانی روسیه نیز در فهرست رتبه بندی گنجانده شده که چهار کمپانی، گازپروم، در رتبه ۱۵، لوک اویل، در رتبه ۶۸، روس نفت، در رتبه ۷۱ و بانک پس انداز، در رتبه ۹۰ در فهرست یکصد کمپانی اول جای گرفته اند.

فوربس ۲۰۰۰ و «ابرنهاد» اقتصاد جهانی

صرفنظر از شوکی که بخش مالی متحمل شد، این بخش در سال ۲۰۱۱ با اختصاص ۴۷۸ جایگاه بخود، در صدر فهرست قرار گرفته است. جایگاه دوم در اقتصاد به بخش نفت و گاز اختصاص دارد، ولی بلحاظ شمار کمپانیهای فهرست (۱۳۱ شرکت کننده)، نامیدانه از بخش مالی عقب مانده است. قابل توجه اینکه، در رتبه بندی فوربس ۲۰۰۰، که در سال ۲۰۱۰ انتشار یافت و بیانگر اوضاع سال ۲۰۰۹ بود، بخش مالی مجموعاً ۳۰۸ جایگاه بخود اختصاص داده بود. چنین بر می آید که بر اساس فهرست «فوربس» وضعیت بخش مالی در طول دو سال، بیش از یک و نیم (۱/۵) برابر تقویت شده است.

بیشترین توجه را اولین دهک فهرست مجله «فوربس» بخود جلب می کند. بنظر می رسد خود این، همان «هسته» اقتصاد جهان باشد. نظری بر گروه کمپانیهای برتر ۲۵ گانه فهرست فوربس ۲۰۰۰ در سال ۲۰۱۲ می اندازیم. این گروه نخبه، عمدتاً نماینده دو بخش اقتصاد، یعنی، بخش مالی و نفت و گاز هستند. در این قسمت، بخش مالی - ۱۱، نفت و گاز - ۹ و سایر - ۵ رتبه احراز می کند. در فهرست فوربس ۲۰۰۰، بانکها، چند سالی متوالی رتبه های مهم را بخود اختصاص می دادند و در رأس آنها جی پی مورگان چیس و «Holdings HSBC» قرار داشتند (جی پی مورگان چیس، بانک آمریکائی و Holdings HSBC بانک انگلیسی محسوب می شود). ولیکن در رتبه سنجی سال ۲۰۱۲، شرکت نفتی آکسون موبایل با شاخه های به این ترتیب: ۴۳۳ و نیم میلیارد دلار مداخل، ۴۱ و ۱ دهم میلیارد سود، ۳۳۳ و ۱ دهم میلیارد

دلار دارائی، ۴۰۷ و ۴ دهم میلیارد دلار سرمایه گذاری، به جایگاه نخست ارتقاء یافت. و این هم لیست شرکتهای مالی جزو گروه برتر ۲۵ گانه. («کشور» و رتبه آنها در فهرست عمومی رتبه بندی در داخل پرانتز ذکر شده است):

- ۱- جی پی مورگان چیس (۲، آمریکا)،
- ۲- بانک صنعت و تجارت چین (۵، چین)،
- ۳- HSBC (۶، انگلستان)،
- ۴- برکشایر (۸، آمریکا)،
- ۵- ولز فارگو (۹، آمریکا)،
- ۶- بانک ساخت و ساز چین (۱۳، چین)،
- ۷- سیتی گروپ (۱۴، آمریکا)،
- ۸- بانک کشاورزی چین (۱۹، چین)،
- ۹- BNP Paribus (۲۰، فرانسه)،
- ۱۰- بانک مرکزی چین (۲۱، چین)،
- ۱۱- بانک سانتاندر (۲۳، اسپانیا).

همانطور که می بینیم، در گروه شرکتهای مالی برتر، آمریکا و چین هر کدام با ۴ شرکت، پیشتازند. انگلستان، فرانسه و اسپانیا نیز هر یک با یک کمپانی در این گروه حضور دارند. در هر حال، تعلق بانکها، حداقل، بانکهای غربی به این یا آن کشور کاملاً شرطی است. همه آنها شرکتهای فراملی هستند و بخش قابل ملاحظه یا حتی بخش اعظم عملیات آنها خارج از کشور مادر (هولدینگ) انجام می شود. لازم به تأکید است که فهرست «فوربس» جایگاه واقعی نهادهای مالی در اقتصاد جهانی را بوضوح دست کم می گیرد. یکی از علل این امر این است که، اگر چه بسیاری از شرکتهای مندرج در فهرست فوربس ۲۰۰۰، بطور سنتی شرکتهای صنعتی، تجاری یا ارائه دهنده خدمات بشمار می روند، اما عملاً به عملیات مالی در مقیاس جهانی مشغول هستند. این واقعیت را تجزیه و تحلیل ترازنامه تلفیقی آنها نشان می دهد و ثابت می کند که بخش قابل ملاحظه دارائی آنها می تواند به ابزارهای مالی (سپرده های بانکی، وام و استقراض، خرید اوراق بهادار مختلف) بدل شود. بانکها، شرکتهای بیمه، اجاره داری و سایر می توانند در ترکیب چنین شرکتهای صنعتی یا تجاری، تأسیس شوند و عمل نمایند.

«ابرنهاد» مالی: میزان واقعی نفوذ

دلیل دیگر باز هم جدی تر و در عین حال واضح تر، این است که رتبه بندی فوربس ۲۰۰۰، همانطور که گفتیم، بر اساس چهار شاخص به یک اندازه مساوی تنظیم می شود. محاسبات

بسیار حیرت آور است و زمانیکه مجموعه مثل هندوانه، خیار، بلوط و مازو از آب در می آید، بسیار به عملکرد یک اندام شباهت پیدا می کند. آری، چنین است اسرار مالی- اقتصادی معاصر، که عوام را بدان عادت می دهند.

شاخصهای فروش (مداخل) کمتر از آن است که گفته می شود و آنها بیشتر با ویژگیهای این بخش بستگی دارد. مثلاً، بخش تجارت با شاخص بالای فروش در مقایسه با اهمیت سه شاخص دیگر مشخص می شود. شاخص سرمایه گذاری در کسب و کار تا حد زیادی از انواع حقه بازی ها تأثیر می پذیرد.

نمودار سود منعکس شده در دفاتر محاسباتی نیز پائین تر از آن است که اعلام می شود. آن را می توان در سمت دلخواه صاحبان شرکتها «پیچاند». امروزه بمنظور گریز از مالیات، در مجموع، تمایلات زیادی در سمت هر چه کمتر نشان دادن درآمدها مشاهده می شود. سودها به سوی انواع «پناهگاههای مالیاتی» منحرف می شوند. بانکهای جزو گروه نخبه ۲۵، سودها را در محدوده ۱۰-۱۵ میلیارد دلار نشان می دهند و بانکهای BNP Paribus و سانتاندر از این هم کمتر نشان می دهند. اخیراً موقعیتی پیش آمد که لازم بود من در مورد یک دعوی حقوقی جمعی بعمل آمده در آمریکا در باره بانکهای آمریکائی مطلبی بنویسم. مبلغ مورد ادعا در دعوی، ۴۳ تریلیون دلار بود. دقیقاً همینقدر سود را، بعقیده شاکیان (نمایندگان مالیات دهندگان)، همه بانکهای آمریکائی طی سالها از حوزه پرداخت مالیات خارج کرده اند. این، تنها یک تصاویر از قسمت فوقانی کوه عظیم سود واقعی آن بانکهاست.

اما این نمودار «دارائی» بسیار مهم است، که درجه نفوذ و قدرت کمپانی ها را تعیین می کند. البته، در صورت تمایل، این شاخص را هم در حد بسیار محدودی می توان «پیچاند». این نمودار مثل اینکه در رتبه بندی فوربس ۲۰۰۰ در نظر گرفته نمی شود و نقش آن بصورت تصنعی کاهش می یابد. اما اگر شرکتهای مذکور در فهرست رتبه بندی فوربس ۲۰۰۰ را بر اساس ثروت مورد مقایسه قرار دهیم، تصویر شگفت انگیزی از سلطه مطلق شرکتهای مالی (پیش از همه بانکها) بر بقیه شرکتهای نامبرده در فهرست مجله «فوربس»، پدیدار می شود. داده های مربوط به دارائی بانکها و شرکتهای مالی جزو گروه برتر ۲۵ گانه را (به میلیارد دلار) ذکر می کنم:

۱- جی پی مورگان چیس - ۲۲۶۵ / ۵

۲- بانک صنعت و تجارت چین - ۱۰۳۹ / ۱

۳- HSBC - ۲۵۵۰

۴- برکشایر - ۳۹۲ / ۶

۵- ولز فارگو - ۱۳۱۳ / ۹

۶- بانک ساخت و ساز چین - ۱۶۳۷ / ۸

۷- سیتی گروپ - ۱۸۷۳ / ۹

۸- بانک کشاورزی چین - ۱۵۶۳ / ۹

۹- BNP Paribus - ۲۵۳۹ / ۱

۱۰- بانک مرکزی چین - ۱۵۳۸ / ۷

۱۱- بانک سانتاندر - ۱۶۲۴ / ۷

مجموع دارائی ۱۱ شرکت از ۲۵ شرکت مالی- بانکی برتر به ۱۹۳۸۴ / ۵ میلیارد یا با کمی اغماز به ۱۹ / ۴ تریلیون میلیارد دلار، در واقع، به رقمی خیلی بیشتر از درآمد ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا (۱۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۱) سر می زند. در میان این فهرست کمپانیها، فقط شرکت برکشایر دارائی نسبتا کمی را صاحب می باشد. این شرکت مالی (سرمایه گذاری)، به وارن بافت (Warren Buffett)، میلیاردر آمریکائی تعلق دارد و این، تنها شرکت غیراعتباری در میان ۱۰ مؤسسه- بانکی دیگر بشمار می رود.

اما اوضاع شرکتهای نفت و گاز جزو گروه ۲۵ شرکت پیشتاز از چه قرار است؟ مجموع دارائی ۹ شرکت آن، بنا به داده های فوربس، عبارت از ۱ / ۲۴۹۳ میلیارد دلار و مجموع ثروت ۵ شرکت باقیمانده از ۲۵ کمپانی برتر، ۳ / ۱۷۳۶ میلیارد دلار می باشد. بدین ترتیب، مجموع ثروت گروه ۲۵ گانه، ۹ / ۲۳۶۱۳ میلیارد دلار، یا با کمی اغماز، ۶ / ۲۳ تریلیون دلار ارزیابی می شود. نتیجه بدست آمده نشان می دهد که بانکهای جزو گروه ۲۵ کمپانی برتر، ۸۲ درصد از مجموع دارائی ها را در اختیار دارند و این است جایگاه واقعی این نهادها در اقتصاد جهانی، که از آن تصویر ترسیمی توسط دانشمندان سوئیسی، بسیار «زننده تر» است. تمامی «تئوری توطئه» در صفحات مجله مشهور آمریکائی مشهود است و برای دیدن آن به هیچ کامپیوتر فوق العاده قوی و همچنین، به هیچگونه «اطلاعات محرمانه» که «پارتیزانهای اطلاعاتی» مایلند به خورد خوانندگان بدهند، نیازی نیست.

درباره بانکهای «ناقابل» خارج از گروه نخبگان ۲۵ گانه مجله «فوربس»

البته این، همه واقعیت نیست. روزنامه نگاران و اقتصاددانان معمولا سطور بالای فهرست رتبه بندی را مورد توجه قرار می دهند. واریسی همه فهرست واقعا هم دشوار است. فعلا نظری به ۱۰۰ رتبه اول فهرست بیاندازیم. در این قسمت ما به نام کمپانیهای بسیار آشنا برمی خوریم که تا چند سال قبل، جزو گروه ۱۰ گانه اول بودند. آنها امروز پس از آن جنجالها که هنگام آخرین بحران مالی (حقه بازیهای مختلف، تقلبات و کلاهبرداریهای آشکار؛ بذل و بخشش

میلیاردها و تریلیونها تحت عنوان وامهای «ثبات بخش» به بانکداران و غیره) براه افتاد، خود را خیلی «ناچیز» جلوه می دهند. اما دارائی آنها به حدی هست که مورد حسادت آکسون موبایل، رتبه نخست فهرست واقع شوند. یادآوری می شود که میزان ثروت این پیشتاز شرکتهای نفت و گاز، ۱. ۳۱۳ میلیارد دلار است. در اینجا، حجم دارائی برخی بانکها و شرکتهای مالی خارج از گروه ۲۵ گانه را برمی شماریم. (رتبه در فهرست عمومی - نام - ثروت به میلیارد دلار):

۳۹- آی ان جی گروپ - ۱۰ / ۱۶۵۳

۵۲- دویچه بانک (بانک آلمان) - ۴ / ۲۸۰۹

۵۳- بارکلیس - ۲ / ۲۴۲۵

۶۴- سامیتومو میتسوئی فاینشال - ۹ / ۱۶۵۴

۷۷- گلدمن ساکس گروپ - ۲ / ۹۲۳

۸۳- بانک آمریکا - ۱۰ / ۲۱۲۹

۹۰- بانک پس انداز - ۴ / ۲۸۲

۹۴- سوسایت جنرال - ۱ / ۱۵۳۱

۹۸- میزوهو فاینشال - ۴ / ۱۹۳۴

۱۰۰- مورگان استنلی - ۹ / ۷۴۹

در رتبه های ناچیز (۵۲ و ۵۳) فهرست رتبه بندی، بانکهای بارکلیس و دویچه بانک گنجانده شده اند. همانطور که می بینیم، دارائی این بانکها بیشتر از دارائی جی پی مورگان، پیشتاز گروه بانکها می باشد. از قضا، همه این بانکهای «سه قلو» مذکور، در سطور اول لیست «ابرنهاد» مورد نظر سوئسی ها قید شده اند. هر یک از بانکهای جزو گروه ۱۰، بلحاظ نمودارهای ثروت، حتی بزرگترین شرکتهای نفتی را پشت سر می گذارند. بانک پس انداز روسیه نیز در میان صد رتبه اول فهرست «فوربس» گنجانده شده است. ما تمدا آن را از لیست مورد بررسی خود بدان جهت خارج کرده ایم، که در جمع نهنگان بانکی غربی یا چینی بلحاظ دارائی همانند یک کوتوله بنظر می رسد.

اگر رتبه بندی بر اساس شاخص دارائی تنظیم شود، بگمانم، تصویر کاملاً دیگری غیر از آنچه که در صفحات پر زرق و برق مجله «فوربس» ترسیم می شود، بدست می آید. در این صورت، طبق برآوردهای من، از صد رتبه اول کمپانیها، در حدود ۸۰ رتبه به بانکها و دیگر شرکتهای مالی اختصاص خواهد یافت و در لیست ۲۵ رتبه اول، فقط نام ۲۵ بانک ثبت خواهد شد!

ضمناً، «فوربس» به شعبده بازی دیگری نیز دست می زند. این مجله هر سال یک رتبه بندی دیگری بنام فوربس ۵۰۰، تنظیم می کند. در تنظیم این رتبه بندی، به نمودارهای فروش و

درآمد استناد می کند و دارائی ها را بطور کلی بحساب نمی آورد. در این فهرست، نام بانکها بدلائیل قابل فهمی، بسیار کم قید می شود. این مجله آمریکائی بکمک فوربس ۵۰۰، بانکهای جهانی را بیش از خدمات ارائه شده به آنها، در سایه قرار می دهد. (اضافه می کنم که همه اعتبار سنجی ها و رتبه بندی ها از سوی هر مجله یا مؤسسه ای که صورت بگیرد، چندان بی شباهت به حقه بازیهای نظرسنجی پیش از انتخابات و اعلام نتایج بواسطه «اکزیت پل» بعد از انتخابات نیست و همه اینها چیزی نیست جز سرگرم کردن مردم و انحراف افکار عمومی از مشکلات و معضلات اجتماعی، فقر و مصیبتی که سارقان مسلح بانکها، بازارهای بورس، کمپانی های فراملی به بشریت جهان تحمیل کرده اند. مترجم).

با این حال، مسئله عمده برای سرمایه مالی نه حجم فروشها، بلکه، سودها و اعمال کنترل بر روی اقتصاد است. الیگارش های مالی سودها را در مناطقی دور از کرانه و بنیادهای خیریه، و همچنین، نفوذ اقتصادی واقعی خود را در پشت نقاب زیبا و فریبنده اعتبارسنجی مجله پر طمطراق «فوربس» پنهان می کنند.